

قلمرو و سازش‌نامه‌های مشمول کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران

رضا معبودی نیشابوری*

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد، ایران

سید علیرضا رضائی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم و سیاسی، دانشگاه فردوسی

مشهد، مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۸/۱۸)

چکیده

سازش یا میانجی‌گری با توجه به اتکاء بر تراضی طرفین و اینکه نتیجه فرایند سازش یا سازش‌نامه، مطلوب طرفین دعواست، طریقی ویژه در حل و فصل اختلافات محسوب می‌شود. کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ در خصوص سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی، توسط سازمان ملل متحد به منظور ارتقای نهاد مذکور تنظیم شده است. الحاق ایران به این کنوانسیون نقش مؤثری در رواج بیشتر میانجی‌گری در حقوق ایران خواهد داشت. از موضوعات مهم مطروحه در خصوص کنوانسیون سنگاپور، قلمرو اعمال معاهده مذکور است. سه خصیصه اصلی در سازش‌نامه منعقد شده میان طرفین باید وجود داشته باشد تا در محدوده اعمال این کنوانسیون قرار بگیرد که عبارت‌اند از: «انعقاد سازش‌نامه در اثر فرایند میانجی‌گری»، «وصف تجاری سازش‌نامه» و «وصف بین‌المللی سازش‌نامه». در مقاله حاضر سه مؤلفه مذکور تحلیل می‌شود و موضع حقوق ایران نیز در مورد آنها بیان می‌شود. پژوهش پیش‌رو، به این نتیجه نائل می‌آید که با توجه به فلسفه حمایت اجرایی کنوانسیون سنگاپور از سازش‌نامه‌ها و به منظور ارتقای جایگاه میانجی‌گری در میان روش‌های حل و فصل اختلافات، باید از معیارهای سه‌گانه مذکور، مفهوم موسعی ارائه کرد تا سازش‌نامه‌های بیشتری از حمایت اجرایی این مقررات بهره‌مند شوند.

واژگان کلیدی

تجارت بین‌الملل، سازش‌نامه ناشی از فرایند میانجی‌گری، سازش‌نامه تجاری، سازش‌نامه بین‌المللی، صلح دعوا، طرق حل اختلاف، کنوانسیون سنگاپور.

۱. مقدمه

سازش یا میانجی‌گری، با اینکه از قدیمی‌ترین روش‌های حل و فصل اختلافات بوده و نتیجه فرایند سازش یا سازش‌نامه مورد رضایت طرفین دعواست، هنوز جایگاه شایسته خود را در روش‌های حل و فصل اختلافات پیدا نکرده است و تعداد دعاوی که از طریق سازش حل و فصل می‌شوند، بسیار کمتر از استفاده از روش دادرسی و داوری توسط طرفین دعواست. مقرراتی توسط آنسیترال و اتحادیه اروپا نیز تأثیر زیادی در این خصوص نداشت، زیرا مهم‌ترین علت عدم رواج این روش حل و فصل اختلافات، فقدان وصف لازم‌الاجرا در سازش‌نامه‌هاست. از این رو با توجه به ضرورت مذکور، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد سازش‌نامه‌های حاصل از میانجی‌گری ۲۰۱۹^۱ (کنوانسیون سنگاپور^۲) تنظیم شد. این کنوانسیون با اعطای وصف لازم‌الاجرا به سازش‌نامه‌های تنظیمی توسط طرفین دعوا، نقشی مشابه کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی ایفا خواهد کرد.

قلمرو کنوانسیون سنگاپور از این نظر که سازش‌نامه‌های مشمول مقررات مذکور را مشخص می‌کند، اهمیت زیادی دارد. از مهم‌ترین معیارها به منظور بهره بردن یک سازش‌نامه از حمایت اجرایی کنوانسیون سنگاپور، این است که سازش‌نامه ویژگی‌های لازم برای شمول در قلمرو این کنوانسیون را داشته باشد. از طرفی با توجه به امضای کنوانسیون مزبور توسط ایران و این واقعیت که برخی از موضوعات کنوانسیون به حقوق داخلی کشورها عطف شده است، موضع کنونی حقوق ایران نسبت به موضوعات مطروحه در این کنوانسیون باید مشخص شود. همچنین برای مشخص شدن موضع مقررات مذکور در خصوص مسائل مختلف، تأسیسات حقوقی عنوان شده در این کنوانسیون باید بررسی شود تا اجراکنندگان کنوانسیون سنگاپور در ایران مثل قضات محترم دادگستری و فعالان تجاری که امکان انتفاع از مزیت‌های این کنوانسیون برای آنها وجود دارد، تفسیر صحیحی از این مقررات داشته باشند.

برای اینکه سازش‌نامه مشمول کنوانسیون سنگاپور شود، باید سه ویژگی اصلی را داشته باشد: اولاً سازش‌نامه باید ناشی از فرایند میانجی‌گری باشد و دخالت یک ثالث به عنوان میانجی در فرایند سازش ضرورت دارد؛ ثانیاً سازش‌نامه باید دارای وصف بین‌المللی باشد؛ ثالثاً تجاری بودن دعوی موضوع سازش‌نامه نیز ضروری است. از این رو برای بررسی مسائل مذکور، این موضوعات در سه بخش تحلیل خواهند شد و در هر عنوان، موضع حقوق ایران

1. United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2019

۲. از این پس: «کنوانسیون» یا «کنوانسیون سنگاپور».

نیز بیان خواهد شد: «انعقاد سازش‌نامه در اثر فرایند میانجی‌گری»، «وصف بین‌المللی سازش‌نامه» و «وصف تجاری سازش‌نامه».

۲. انعقاد سازش‌نامه در اثر فرایند میانجی‌گری

در بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی آنسیترال ۲۰۰۲^۱، بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه آنسیترال در زمینه سازش تجاری بین‌المللی و سازش‌نامه‌های بین‌المللی ناشی از فرایند میانجی‌گری مصوب ۲۰۱۸^۲ و بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون، سازش این‌گونه تعریف شده است: «سازش صرف‌نظر از اصطلاحی که استفاده می‌شود یا بر هر مبنایی که اجرا می‌گردد به معنای فرایندی است که طرفین تلاش می‌کنند تا با کمک شخص یا اشخاص ثالث (میانجی) بدون اختیار تحمیل راه‌حل به طرفین اختلاف به یک نتیجه دوستانه در مورد اختلافشان دست یابند». برخی نویسندگان نیز سازش را صرفاً اتخاذ تصمیم در خصوص اختلاف میان طرفین دعوا با کمک گرفتن از میانجی می‌دانند (Nigmatullina, 2019: 15).

فرهنگستان ایران واژه سازش را برابر اصطلاح صلح قرار داده است. بیشتر نویسندگان حقوقی، صلح دعوا و سازش را به یک معنا به‌کار برده‌اند و احکام و آثار آن دو را یکسان می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۸۶۶؛ کاتوزیان ۱۳۹۱: ۳۲۳؛ متین دفتری، ۱۳۸۸: ۴۷۷). از این رو نباید تردید داشت که سازش‌نامه همان صلح‌نامه است و در نتیجه، عملی که طرفین انجام می‌دهند، عقد صلح در مورد تنازع شمرده می‌شود و مشمول احکام و آثار آن است (امامی، ۱۳۵۲: ۳۲۱؛ شمس، ۱۳۹۸: ۴۹۷).

مهم‌ترین تفاوت سازش با رسیدگی قضایی و داوری در این است که سازش‌دهنده یا میانجی نمی‌تواند خود رأساً موضوع اختلاف را فیصله دهد یا نظر خود را به طرفین تحمیل کند. سازش‌دهنده تنها مجاز است که تلاش کند طرفین اختلاف به راه‌حل دوستانه نائل شوند (شیروی، ۱۳۹۱: ۴۹۱). اصطلاحی که برای فرایند سازش به‌کار می‌رود، چه Mediation باشد چه Conciliation عنوان شود، تفاوتی نمی‌کند. سابقاً در قانون نمونه سازش آنسیترال ۲۰۰۲ از اصطلاح Conciliation استفاده شده بود، اما کارگروه آنسیترال^۳ تصمیم گرفت عبارت Mediation را به‌کار ببرد، زیرا عبارت مذکور، معمول‌تر است و بیشتر استفاده می‌شود (Sussman, 2018: 49; Rooney, 2019: 113; Sim, 2019: 691 McCormick ; Alexander, 2018, 1)

1. Uncitral Model Law On International Commercial Conciliation (2002)

از این پس: قانون نمونه ۲۰۰۲.

2. UNCITRAL Model Law on International Commercial Mediation and International Settlement Agreements Resulting from Mediation, 2018

از این پس: قانون نمونه ۲۰۱۸.

۳. از این پس: «کارگروه».

Quek Anderson, 2019: 6; Ong, 2019: 523; شیری، ۱۳۸۵: ۴۹). تعریف این دو اصطلاح، در بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه ۲۰۰۲، بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه ۲۰۱۸ و همچنین بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون یکسان است و از لحاظ مفهوم تفاوتی دیده نمی‌شود (Sussman, 2018: 50; Rooney, 2019: 113; Chua, 2019(A): 5).

در حقوق ایران نیز در نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه شماره ۵۴۹/۹۴/۷ مورخ ۲/۳/۱۳۹۴ چنین رویکردی دیده می‌شود. در نظریه مذکور عنوان شده است: «میانجی‌گری و صلح (سازش)، هر دو از شیوه‌های جایگزین حل اختلاف می‌باشند که مقنن در ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، آنها را در عرض یکدیگر مطرح نموده است؛ زیرا در مواد ۸۲، ۸۳ و ۸۴ این قانون، سازوکار، شرایط و ضوابط مشخصی برای میانجی‌گری پیش‌بینی نموده است. صلح و سازش ممکن است نتیجه میانجی‌گری باشد یا از هر طریق دیگری حاصل شود».

البته برخی نویسندگان (D'Ambrumenil, 1997: 53; Abramson, 2019: 370; Sim, 2019: 672; Redfern & Hunter, 2009: 46) معتقدند که این دو اصطلاح تفاوت‌های زیادی دارند و اصطلاح Mediation مربوط به سازش تسهیل‌کننده و اصطلاح Conciliation مربوط به سازش ارزیابی‌کننده است. از این منظر، در سازش تسهیل‌کننده^۱، این خود طرفین دعوا هستند که برای اختلاف خود راه‌حلی می‌یابند و در واقع میانجی صرفاً آنها را راضی به سازش می‌کند، ولی مندرجات و نحوه تنظیم سازش‌نامه بر عهده طرفین دعواست. اما در سازش ارزیابی‌کننده^۲، میانجی علاوه بر تلاش برای برقراری سازش میان طرفین، راه‌حلهایی نیز در این مورد با توجه به وضعیت پرونده و برحق بودن هریک از طرفین دعوا ارائه می‌دهد (Roberts, 2007: 193-195). براساس تعریف سازش، قلمرو کنوانسیون وسیع در نظر گرفته شده است تا بدین‌وسیله کنوانسیون شامل انواع مختلف سازش شود (Chong & Steffek, 2019: 456). با وجود مذاکرات طولانی، کارگروه به جواب قانع‌کننده‌ای در خصوص مفهوم روش‌مند^۳ بودن فرایند سازش دست نیافت (UNCITRAL, 2016(A); UNCITRAL, 2016(B)) و در نتیجه این شرط در متن کنوانسیون درج نشد. کارگروه تصمیم گرفت که سازش انجام‌گرفته خارج از یک سازمان و دیگر روش‌های سازش را بی‌اعتبار نکند تا از مزیت‌های انعطاف‌پذیری فرایند سازش استفاده شود. حتی یکی از هیأت‌های نمایندگی حاضر در کارگروه آنسیترال (UNCITRAL, 2016(A)) بیان داشت که مهم‌ترین خصیصه سازش این است که این فرایند حل‌وفصل اختلافات هیچ قاعده‌ای ندارد و طرفین و میانجی با توجه به وضعیت دعوا هر اقدام لازمی را می‌توانند انجام

1. Facilitative Mediation
2. Evaluative Mediation
3. "Structured" Process.

دهند و ساختار مشخصی نباید به سازش تحمیل شود. در دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص سازش مصوب ۲۰۰۸^۱ درباره سازش نیز الزامی در خصوص اینکه سازش از طریق یک سازمان صورت بگیرد، دیده نمی‌شود.

برخی نویسندگان (Chong & Steffek, 2019: 458) معتقدند که شرط لزوم دخالت میانجی در فرایند سازش نیز باید ذکر می‌شود. در غیر این صورت، رفع اختلافات توسط کارشناس^۲ یا روش رسیدگی مختصر^۳ نیز در قلمرو کنوانسیون می‌گنجد. در متن کنوانسیون نیز پس از ذکر لزوم دخالت ثالث در فرایند سازش، بلافاصله عبارت میانجی در پرانتز ذکر شده که بیانگر لزوم دخالت ثالث به عنوان میانجی در فرایند سازش است.

وفق مقررات مذکور، توافق‌نامه باید نتیجه میانجی‌گری توسط ثالث باشد و باید مدارکی به منظور اثبات این موضوع و دخالت میانجی در فرایند سازش ارائه شود (Morris-Sharma, 2019: 499). علت پیش‌بینی لزوم دخالت میانجی در مقررات مذکور در این است که احتمال تبانی علیه ثالث را کاهش دهد. اغلب سازش برخلاف داوری و دادرسی، روش حل و فصل اختلاف با میزان کمتری از تضاد میان طرفین است و از طرفی امکان تبانی توسط طرفین در سازش (علیه حقوق اشخاص ثالث) بیشتر است. از لحاظ تئوری و عملی ممکن است که طرفین دعوا، سازش‌نامه را به منظور جلوگیری از توقیف اموال یکی از طرفین منعقد کنند. در واقع ممکن است طرفین سازش‌نامه با تبانی صورت‌گرفته، در مفاد سازش‌نامه توافق کنند که اموال یکی از طرفین به نفع طرف دیگر توقیف شود تا فرد ثالثی که مطالباتی از فرد مذکور دارد، نتواند این اموال را بازداشت و مصادره کند. از این رو باید سازش‌نامه‌های دارای وصف لازم‌الاجرا محدود شوند و بر لزوم دخالت فرد ثالث بی‌طرف، به عنوان میانجی تأکید شود. وفق مقدمه دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص سازش دخالت میانجی شرط اساسی برای اعطای وصف لازم‌الاجرا به سازش‌نامه‌هاست (L.O, 2014: 132).

در مقابل استدلال مذکور باید گفت که حضور میانجی در فرایند سازش، امکان تبانی طرفین را منتفی نمی‌سازد و ممکن است میانجی نیز با طرفین دعوا همکاری کند و سازش‌نامه صوری با مشارکت و مداخله وی منعقد شود. از این رو به منظور جلوگیری از تبانی در فرایند سازش، علاوه بر تأکید بر لزوم دخالت میانجی، باید ترتیبی اتخاذ شود که هر فردی، نتواند میانجی باشد و با اعطای مجوز میانجی‌گری، صرفاً افراد دارای مجوز مذکور بتوانند در فرایند سازش دخالت کنند. در حقوق ایران به این موضوع در میانجی‌گری امور کیفری تا حدی توجه

1. Directive 2008/52/EC of the European Parliament and of the Council of 21 May 2008 on certain aspects of mediation in civil and commercial matters

2. Expert Opinion.

3. Mini-Trial.

شده و ماده ۹ آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴ در این خصوص مقرر کرده است: «فهرستی از اشخاص واجد صلاحیت میانجی‌گری در هر حوزه قضایی صرفاً جهت معرفی به طرفین، توسط رئیس حوزه قضایی محل تهیه می‌گردد. وجود این فهرست مانع از ارجاع امر میانجی‌گری به سایرین نمی‌باشد». وفق مقرر مذکور مؤسسات دارای مجوز به طرفین دعوا معرفی می‌شوند، اما امکان دخالت در سازش منحصر به اشخاص مذکور نیست. عملاً در مسائل کیفری امکان ورود زیان به ثالث نسبت به مسائل حقوقی کمتر است و از این رو به قیاس اولویت، رویکرد مذکور باید در دعاوی حقوقی نیز اعمال شود. در مجموع به نظر می‌رسد اعطای مجوز به میانجی‌ها، از صرف تأکید بر دخالت میانجی در فرایند سازش، راهکار مناسب‌تری به منظور جلوگیری از رخ دادن تبانی در سازش است، زیرا اشخاص دارای مجوز تحت نظارت و کنترل سازمان‌یافته قرار می‌گیرند و دغدغه حفظ مجوزی که با زحمت تحصیل کرده‌اند، تقید و انضباط رفتاری بیشتری برای ایشان ایجاد می‌کند.

در پاراگراف «ب» بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون مقرر شده است: «طرفی که به سازش‌نامه استناد می‌کند، باید مستندات ذیل را به مرجع صالح کشور عضو کنوانسیون که مخاطب درخواست اجراست، تقدیم کند: ب) دلیلی که نشان دهد سازش‌نامه موردنظر، از فرایند میانجی‌گری مدنظر این قانون حاصل شده است، مثلاً: اول) امضای میانجی روی سازش‌نامه؛ دوم) سند امضا شده توسط میانجی که نشان دهد سازش انجام شده است؛ سوم) تصدیق نهادی که فرایند میانجی‌گری را اداره کرده است؛ یا چهارم) در فقدان سه بند مذکور، هر سند دیگری که از نظر مقام ذی‌صلاح قابل قبول باشد». چنین رویکردی از طرفی سبب می‌شود از اینکه سازش‌نامه از فرایند میانجی‌گری حاصل شده است، اطمینان حاصل گردد و از طرف دیگر، ویژگی انعطاف‌پذیری کنوانسیون حفظ شود (Abramson, 2019: 370-371; Chua, 2019(A): 6).

مذاکرات طولانی (UNCITRAL, 2015(A); UNCITRAL, 2016(A)) در کارگروه در خصوص امکان اعمال کنوانسیون بر توافق‌نامه‌هایی که از میانجی‌گری حاصل نشده‌اند^۱، انجام گرفت. برخی کشورها پیشنهاد دادند که تمامی توافق‌نامه‌ها و سازش‌نامه‌ها در قلمرو کنوانسیون قرار گیرند یا حداقل چنین امری به‌عنوان یک شرط اختیاری برای کشورها از طریق فرایند اعلامیه^۲ یا حتی طرفین دعوا وجود داشته باشد که کنوانسیون را بر توافق‌نامه‌های غیرمنتج از میانجی‌گری نیز اعمال کنند (Schnabel, 2019(A): 18). اما در اولین جلسه (Uncitral, 2015(B))، کارگروه تصمیم گرفت که فقط توافق‌نامه‌های ناشی از فرایند میانجی‌گری در محدوده کنوانسیون قرار گیرند و این تصمیم هیچ‌گاه تغییر نکرد. چنین رویکردی وضعیت برتری برای

1. Non-Mediated Settlements
2. Declaration.

سازش‌نامه‌های حاصل از فرایند میانجی‌گری نسبت به قراردادهای عادی ایجاد می‌کند (Rooney, 2019: 121; Lo & Jo-Mei, 2014: 396; Quek Anderson, 2019: 5).

به عقیده برخی نویسندگان (Schnabel, 2019(A): 17) به‌طور کلی این معیار باید به‌صورت موسع تفسیر شود. کنوانسیون هیچ شاخصه‌ای ارائه نداده است که مشخص کند چه میزان دخالت میانجی کفایت می‌کند. الزامی وجود ندارد که میانجی در تمام فرایند سازش دخالت داشته باشد (Uncitral, 2015(B)). بر این اساس، در شرایطی که میانجی فقط در رفع یک جنبه از اختلاف به طرفین کمک کند و الباقی موضوعات توسط خود طرفین حل و فصل شود نیز این توافقنامه تحت شمول این کنوانسیون قرار می‌گیرد. رویکرد موسع مزبور، در راستای تلاش برای افزایش استفاده از روش سازش در حل و فصل اختلافات است.

متقاضی اجرای سازش‌نامه باید با ارائه مدارک پاراگراف «ب» بند ۱ ماده ۴ اثبات کند که توافقنامه، ناشی از میانجی‌گری بوده است و در صورت ارائه مدارک مذکور، بار اثبات بر عهده طرف مقابل است که عدم اعتبار مدارک موردنظر را اثبات کند (Claxton, 2019: 1; Schnabel, 2019(A): 18). در دستورالعمل سازش اتحادیه اروپا اثبات این امر که سازش‌نامه حاصل فرایند میانجی‌گری است، ضرورتی ندارد (Žukauskaitė, 2019: 212).

تعریف سازش در کنوانسیون و قانون نمونه، مشخص می‌کند که مبنای اختلاف که سبب شروع فرایند سازش شده است و عنوانی که طرفین برای اقدامات خود انتخاب می‌کنند، اهمیتی ندارد (Lo & Jo-Mei, 2014: 394; Quek Anderson, 2019: 6; Silvestri, 2019: 192; Morris-) (Sharma, 2019: 505). وفق بند ۸ ماده ۱ قانون نمونه ۲۰۰۲ و بند ۶ ماده ۳ قانون نمونه ۲۰۱۸، سازش می‌تواند براساس توافقنامه طرفین اختلاف، قبل یا بعد اختلاف، اجبار ناشی از قانون یا دستور یا پیشنهاد دادگاه، نهاد داوری یا مقام ذی‌صلاح دولتی باشد.

در مجموع در خصوص مفهوم لزوم انعقاد سازش‌نامه در اثر فرایند میانجی‌گری باید گفت که اولاً یکی از شرایط مقرر در کنوانسیون این است که باید میانجی در فرایند سازش یا میانجی‌گری دخالت داشته باشد. این موضع کنوانسیون قابل نقد است، زیرا تأثیر سازش‌نامه صرفاً در گرو رضایت طرفین دعواست و تفاوتی نمی‌کند که میانجی در این فرایند دخالتی داشته باشد یا نه. توافق طرفین به‌عنوان رکن اصلی سازش، بدون دخالت میانجی نیز حاصل می‌شود. این شرط در واقع تا حدی ویژگی انعطاف‌پذیری و سرعت سازش را از این طریقه حل و فصل اختلافات می‌گیرد. چه ایرادی دارد که دو شریک تجاری پس از بروز اختلاف، با برگزاری جلسه‌ای فوراً به اختلاف خود فیصله دهند؟ آیا زمانی که بدون حضور میانجی، طرفین به سازش رسیده‌اند، می‌توان توافق آنها را زیر سؤال برد؟ شاید بیان شود که امکان تبانی میان طرفین دعوا برخلاف منافع اشخاص ثالث یا انعقاد سازش‌نامه‌ای غرری برای یکی از طرفین

دعوا وجود دارد و حضور میانجی از این مسئله جلوگیری می‌کند. در پاسخ باید گفت که حضور میانجی به هیچ عنوان تضمینی برای عدم بروز موارد مذکور نیست. همچنین در صورت بروز وضعیت‌های پیش‌گفته، جدا از وجود ضمانت اجراهای قانونی قابل اعمال بر سازش‌نامه به‌عنوان یک قرارداد، می‌توان با استثنا کردن این‌گونه سازش‌نامه‌ها از حمایت اجرایی از بروز ضرر و زیان به یکی از طرفین دعوا یا اشخاص ثالث جلوگیری کرد. از این‌رو با تفاسیر مذکور، به‌نظر می‌رسد تأکید بر لزوم دخالت میانجی در فرایند سازش در کنوانسیون از لحاظ حقوقی قابل دفاع نیست؛ ثانیاً نویسندگان کنوانسیون نتوانسته‌اند نحوه تنظیم مقررات را به‌صورتی انجام دهند که حتی همان شرط موردنظر خودشان قابلیت احراز کافی داشته باشد. نقدی که در این زمینه بر موضع کنوانسیون وارد است آن است که نحوه تنظیم کنوانسیون عملاً غرض و هدف نویسندگان و کارگروه را تأمین نمی‌کند، زیرا هدف آن است که سازش‌نامه‌هایی مورد حمایت کنوانسیون واقع شوند که نتیجه فرایند میانجی‌گری باشند. این در حالی است که مستندات کافی به‌منظور احراز این امر که در پاراگراف «ب» بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون بیان شده است، بعضاً دلالت کافی برای احراز این امر ندارند. برای مثال در فراز ۱ پاراگراف «ب» بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون، صرف امضای یک شخص به‌عنوان شخص ثالث یا میانجی جهت احراز این امر کافی دانسته شده است، درحالی‌که اگر به فلسفه وضع این مقررات توجه داشته باشیم، صرف امضای یک شخص ثالث به‌عنوان میانجی در این خصوص کفایت نمی‌کند که اثبات کند که حقیقتاً سازش‌نامه ناشی از میانجی‌گری است. پرواضح است دو طرفی که خود مستقیماً، به سازش نائل شده‌اند، می‌توانند به‌سهولت، شخص ثالثی را صرفاً به‌منظور درج امضا ذیل سازش‌نامه دعوت کنند و از این طریق ظاهر این شرط را تحقق یافته وانمود کنند، درحالی‌که حقیقتاً چنین شرطی محقق نبوده است. این وضعیت در خصوص فراز دوم بند ۱ پاراگراف ۲ ماده ۴ کنوانسیون نیز مصداق دارد. به‌عبارت دیگر، کافی است طرفین مستقیماً و بدون دخالت میانجی به سازش دست یابند و خودشان بدون دخالت میانجی سازش‌نامه را تنظیم کنند و در نهایت سندی را به امضای شخص ثالثی برسانند که ثالث مذکور در سند مزبور بیان داشته باشد که سازش با دخالت وی انجام گرفته است. در این صورت با تولید و ارائه مستند موردنظر کنوانسیون، هدف و غرض این مقرره مندرج در کنوانسیون منتفی می‌شود و به‌نظر می‌رسد مقرره مذکور توانایی آن را نداشته است که ضمانت اجرای مناسبی به‌منظور پایبندی به قاعده موردنظر، ایجاد کند.

۳. وصف بین‌المللی سازش‌نامه

طبق بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون، سازش‌نامه باید بین‌المللی باشد. سازش‌نامه‌های داخلی و بین‌المللی ممکن است از لحاظ ماهیت سازش، تفاوتی نداشته باشند که نیاز باشد در مرحله شناسایی و اجرا دو برخورد مجزا با آنها صورت بگیرد، اما کارگروه (Uncitral, 2015(B)) تصمیمی واقع‌بینانه در مورد محدود کردن اعمال کنوانسیون به سازش‌نامه‌های بین‌المللی گرفت تا کشورها راحت‌تر به کنوانسیون ملحق شوند و نیازی نباشد که قوانین داخلی خود در مورد سازش‌نامه‌ها را تغییر دهند. البته کشورها می‌توانند در حقوق داخلی خود نیز معیارهای این کنوانسیون را بر سازش‌نامه‌های داخلی اعمال کنند (Schnabel, 2019(A); Schnabel, 2019(B): 2; Nwoye, 2019: 1).

وفق بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون در بیشتر موارد، متفاوت بودن اقامتگاه تجاری طرفین برای بین‌المللی تلقی شدن سازش‌نامه کفایت می‌کند و اگر محل اقامتگاه تجاری طرفین یکسان باشد، در صورتی که محل اجرای تعهدات سازش‌نامه در کشور دیگری باشد یا اینکه موضوع سازش‌نامه ارتباط نزدیکی با کشور دیگری داشته باشد، سازش‌نامه بین‌المللی محسوب می‌شود. اگر یکی از طرفین بیش از یک اقامتگاه تجاری داشته باشد، وفق پاراگراف «الف» از بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون، اقامتگاه تجاری مرتبط، اقامتگاهی است که براساس اوضاع و احوال معلوم یا براساس پیش‌بینی طرفین هنگام انعقاد سازش‌نامه، نزدیک‌ترین ارتباط را به دعوی دارد که توسط سازش‌نامه حل و فصل شده است. چنین رویکردی براساس مقرره‌ای مشابه در ماده ۱۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG)^۱ اتخاذ شده است. البته در بند ۵ ماده ۱ قانون نمونه ۲۰۰۲ و بند ۳ ماده ۳ قانون نمونه ۲۰۱۸ ملاک، بیشترین ارتباط با توافق‌نامه سازش است. علت این تعبیر کنوانسیون این است که دعوا باید ملاک عمل قرار گیرد و توافق‌نامه مبنی بر ارجاع دعوا به سازش چنان اهمیتی ندارد (Chua, 2019(B): 2-3).

تعریف بین‌المللی بودن در کنوانسیون با تعریف مذکور در قانون نمونه ۲۰۰۲ (بند ۴ ماده ۱) و قانون نمونه ۲۰۱۸ (بند ۲ ماده ۳) تا حد زیادی یکسان است. در قانون نمونه ۲۰۰۲ این امکان فراهم شده بود که طرفین سازش حق داشته باشند که مقرره مذکور را حتی بر سازش‌های غیربین‌المللی خود نیز اعمال کنند، اما چنین رویکردی برای کنوانسیون بیش از حد موسع تلقی شد (UNCITRAL, 2016(A)). مطابق بند ۶ ماده ۱ قانون نمونه ۲۰۰۲ حتی اگر اختلاف، بین‌المللی محسوب نشود، با توافق طرفین قانون نمونه بر سازش‌نامه قابل اجرا خواهد بود.

1. U. N. Convention on Contracts for the International Sale of Goods

همچنین در فرض عدم تفاوت اقامتگاه طرفین، اگر اقامتگاه مذکور متفاوت از کشور محل اجرای سازش‌نامه و کشور دارای بیشترین ارتباط با موضوع دعوا باشد، سازش‌نامه بین‌المللی محسوب می‌شود. در بند ۴ ماده ۱ قانون نمونه ۲۰۰۲ و بند ۲ ماده ۳ قانون نمونه ۲۰۱۸ ملاک قانون کشوری است که بیشترین ارتباط را با موضوع دعوا دارد، اما در کنوانسیون ملاک قانون کشوری است که بیشترین ارتباط را با موضوع سازش‌نامه دارد. علت این تغییر این است که در اجرای سازش‌نامه باید ملاک موضوع سازش‌نامه باشد که متفاوت از موضوع دعواست و از آنجا که قانون نمونه ۲۰۰۲ و ۲۰۱۸ شامل مطالبی فراتر از صرف اعطای قابلیت اجرایی به سازش‌نامه‌ها هستند و حتی مقرراتی در خصوص توافق بر سازش را نیز شامل می‌شوند، از عبارت موضوع دعوا استفاده شده است (Chua, 2019(A): 4; Chua, 2019(B): 2-3) اما در کنوانسیون سنگاپور صرفاً در خصوص سازش‌نامه تنظیمی میان طرفین مقرراتی عنوان شده است و در نتیجه توجهی به موضوع دعوا ندارد.

در مقررات مورد اشاره، دو مرتبه از اصطلاح بیشترین ارتباط به‌منظور تعیین اقامتگاه موردنظر این مقررات در فرض تعدد اقامتگاه طرفین و به‌عنوان یکی از معیارهای بین‌المللی بودن سازش‌نامه استفاده شده است. اولاً اگر طرفین دعوا بیش از یک اقامتگاه تجاری داشته باشند، اقامتگاهی که ملاک این مقررات است، مکانی است که بیشترین ارتباط را با موضوع دعوا مطابق کنوانسیون سنگاپور یا توافق‌نامه سازش وفق قانون نمونه ۲۰۰۲ و ۲۰۱۸ دارد؛ ثانیاً در فرض یکسان بودن مکان اقامتگاه طرفین، در صورتی که کشور دارای بیشترین ارتباط با موضوع دعوا مطابق قانون نمونه ۲۰۰۲ و ۲۰۱۸ یا موضوع سازش‌نامه مطابق کنوانسیون سنگاپور، متفاوت از اقامتگاه طرفین باشد، سازش‌نامه بین‌المللی محسوب می‌شود.

وفق پاراگراف «ب» بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون، اگر شخص اقامتگاه تجاری نداشته باشد، به محل اقامت عادی وی ارجاع داده می‌شود. برخی (Schnabel, 2019(A): 21) معتقدند که مقرره مذکور با هدف محدود کردن اعمال کنوانسیون بر سازش‌نامه‌های تجاری مغایرت دارد. به‌نظر می‌رسد ایراد مذکور وارد نیست، زیرا ممکن است دعوا تجاری باشد، اما طرفین دعوا تاجر محسوب نشوند. همان‌طور که در ماده ۲ قانون تجارت ایران می‌بینیم، در اعمال تجاری ذاتی، معامله طرفین، تجاری است، اما لزوماً طرفین دعوا تاجر نیستند. از این‌رو در این فرض کنوانسیون اقامتگاه عادی طرفین را ملاک قرار داده است. همچنین مزیت دیگر مقرره مزبور در کنوانسیون سنگاپور آن است که بازرگانانی که به‌علت تمرکز فعالیت تجاری در فضای سایبر، در خصوص اقامتگاه تجاری ایشان مناقشات و تردیدهای حقوقی وجود دارد، عملاً می‌توانند از مزایای کنوانسیون سنگاپور بهره‌مند شوند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های کنوانسیون، عدم وضع مقررات در خصوص مفهوم مقر سازش است، زیرا برخلاف داوری، تعیین مقر سازش نامه به راحتی میسر نیست (Chong & Alexander, 2019(B): 1; Claxton, 2019: 5; Schnabel, 2019(B): 3; Chong & Alexander, 2019(A): 2, Morris-Sharma, 2019: 499). مطابق نظریه محل‌زدایی، سازش باید فارغ از مقررات و قوانین مکان وقوع آن باشد. از این رو طرفین دعوا می‌توانند مقررات حاکم بر سازش را آزادانه انتخاب کنند (Chong & Alexander, 2019(B): 1; Chong & Alexander, 2019(A): 2). چنین رویکردی حتی در داوری که شباهت بیشتری به فرایند دادرسی قضایی دارد نیز دیده می‌شود. در این زمینه جدیدترین رویکردهای داوری، نشان‌دهنده تمایل به محل‌زدایی از داوری است.

چنین تصمیمی آثار مهمی بر مسائل دیگر دارد. برای اعمال این کنوانسیون، نیازی نیست سازش و سازش‌نامه، مطابق شرایط قانون ملی کشوری به‌عنوان مبدأ باشند (برای مثال ممکن است قانون داخلی مقرر کرده باشد که طرفین باید از میانجی‌های دارای مجوز، سازمان‌های خاص یا قواعد خاص سازش استفاده کنند) و هیچ کشوری نمی‌تواند به این دلیل از اجرای سازش‌نامه جلوگیری کند. البته میانجی و طرفین دعوا ممکن است مکلف به رعایت برخی قوانین ملی حاکم بر خود باشند و در صورت نقض این مقررات مشمول ضمانت اجرای قانونی مندرج در قانون ملی مربوطه شوند، اما موضوع مزبور بر امکان شناسایی و اجرای سازش‌نامه تحت کنوانسیون سنگاپور تأثیری نخواهد داشت. بنابراین اساساً سازش‌نامه، یک سند حقوقی فاقد هر گونه وابستگی به هر کشوری است و تابع شرایط هیچ قانون داخلی نیست، مگر کنوانسیون به کشوری اجازه دهد که در زمان اجرای سازش‌نامه برخی مقررات داخلی خود را اعمال کند (Silvestri, 2019: 193; Schnabel, 2019(A): 22).

از آنجا که در کنوانسیون، هیچ کشور مشخصی به‌عنوان مبدأ در نظر گرفته نشده است، نمی‌توان محدوده اعمال کنوانسیون را به کشور مبدأ سازش‌نامه محدود کرد. در سازش‌نامه‌های آنلاین نیز کشورهای مختلفی دخیل خواهند بود (Chong & Alexander, 2019(A): 2; Uncitral, 2015(B)). یک دعوا ممکن است میان افرادی بروز کند که فعالیت تجاری آنها در دو کشور متفاوت بوده و محل اقامت فیزیکی آنها نیز در زمان سازش در دو کشور مختلف است و از طرفی میانجی نیز در کشور پنجمی حضور دارد و قانون حاکم نیز قانون کشور ششم انتخاب شده است. در چنین شرایطی نمی‌توان کشور مبدأ سازش‌نامه را مشخص کرد. همچنین تعیین مقر به‌خصوص در شرایطی که سازش‌نامه از طریق ایمیل تنظیم شده است، موضوعی دشوار است که تعیین آن نیز ضرورتی ندارد.

در ابتدا پیشنهاد شده بود که کنوانسیون سنگاپور مشابه رویکرد کنوانسیون نیویورک در خصوص آرای داوری، باید بر سازش‌نامه‌های خارجی اعمال شود، اما اعمال معیار خارجی

بودن سازش‌نامه مستلزم تعیین کشور مبدأ آن است (Morris-Sharma, 2019: 499; Chong & Alexander, 2019(A): 2; Schnabel, 2019(A): 21; Uncitral, 2015(B).

سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که در حقوق ایران به‌منظور حمایت از سازش‌نامه‌ها در فرض عدم الحاق به کنوانسیون سنگاپور، آیا نیاز است که سازش‌نامه‌های مذکور بین‌المللی باشند یا باید خارجی تلقی شوند؟ براساس ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، فقط احکام دادگاه‌های خارجی مورد حمایت قرار می‌گیرند، زیرا اعطای وصف بین‌المللی به سازش‌نامه‌های مذکور در احکام قضایی امکان ندارد. بدین‌منظور که در دعوای حقوق خصوصی، دادگاه بین‌المللی وجود ندارد و سازش‌نامه منعقد نزد دادگاه، بی‌شک در دادگاه‌های ملی کشورها تنظیم می‌شود و امکان صدور حکم بین‌المللی توسط دادگاه‌ها وجود ندارد. در مورد سازش‌نامه‌های منعکس در آرای داور، نیز، مطابق قانون الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک، رأی داور باید خارجی باشد. در نتیجه فقط بخشی از سازش‌نامه‌های خارجی در نظام حقوقی ایران حمایت اجرایی می‌شوند و سازش‌نامه به مفهوم بین‌المللی دارای حمایت اجرایی نیست. بخشی از سازش‌نامه‌های خارجی که در نظام حقوقی ایران حمایت اجرایی نمی‌شوند، سازش‌نامه‌هایی هستند که نزد دادگاه، داور یا سردفتر اسناد رسمی تنظیم نشده‌اند. در این شرایط با اینکه سازش‌نامه خارجی است، حمایت اجرایی از آن صورت نمی‌گیرد؛ به طریق اولی در شرایط مذکور سازش‌نامه‌های بین‌المللی نیز مورد حمایت واقع نمی‌شوند. در مجموع قبل از الحاق ایران به کنوانسیون سنگاپور، مقررات حاکم در خصوص سازش‌نامه‌های خارجی، مواد ۱۷۸ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی در مورد سازش هستند. در مواد مذکور شرط خارجی یا بین‌المللی بودن قید نشده است، اما چون سازش‌نامه‌ای را معتبر تلقی می‌کند که توسط داور، دادگاه یا سردفتر تنظیم شده باشد، خواه یا ناخواه این مقررات در خصوص سازش‌نامه‌های داخلی و خارجی اعمال می‌شوند و فرض شمول مقررات مزبور نسبت به سازش‌نامه‌های بین‌المللی با توجه به این مقررات متصور نیست. همچنین ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی که به داور امکان سازش می‌دهد، صرفاً شامل داورهای داخلی می‌شود و داورهای خارجی هم که مشمول کنوانسیون نیویورک هستند. از این‌رو در رژیم حقوقی ایران سازش‌نامه‌های بین‌المللی قبل از قطعیت الحاق ایران به کنوانسیون سنگاپور حمایت نمی‌شوند و صرفاً بخشی از سازش‌نامه‌های خارجی مشمول حمایت قرار می‌گیرند. در خصوص شرط بین‌المللی بودن سازش‌نامه، مسئله مهم این است که سازش یک فرایند حل و فصل اختلافات بدون مبدأ است. در واقع سازش‌نامه به هیچ کشور یا نظام حقوقی خاص ارتباط نزدیکی ندارد. به همین دلیل برخلاف موضع کنوانسیون نیویورک در خصوص آرای داور، در کنوانسیون سنگاپور بحثی در خصوص خارجی بودن سازش‌نامه مطرح نمی‌شود.

در واقع در کنوانسیون سنگاپور به منظور احراز بین‌المللی بودن سازش‌نامه باید به اقامتگاه تجاری طرفین، محل اجرای تعهدات سازش‌نامه و موضوع سازش‌نامه توجه کرد و محل صدور سازش‌نامه اهمیتی ندارد. این رویکرد کنوانسیون سنگاپور به دلیل کم کردن وابستگی سازش‌نامه به نظام‌های حقوقی داخلی و حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌های بیشتر، بسیار منطقی و قابل دفاع است. از این رو همان‌طور که بیان شد، نیازی نیست سازش و سازش‌نامه، مطابق شرایط قانون ملی کشوری به‌عنوان مبدأ باشند. سازش‌نامه، یک سند حقوقی فاقد هر گونه وابستگی به هر کشوری است و تابع شرایط هیچ قانون داخلی نیست، مگر کنوانسیون به کشور اجازه دهد که در زمان اجرای سازش‌نامه برخی مقررات داخلی خود را اعمال کند. در وضعیت کنونی نظام حقوقی ایران و قبل از الحاق قطعی ایران به کنوانسیون سنگاپور صرفاً از بخش بسیار محدودی از سازش‌نامه‌های خارجی (سازش‌نامه‌های تنظیمی نزد دادگاه، داور یا سردفتر اسناد رسمی) حمایت می‌شود.

۴. وصف تجاری سازش‌نامه

برای اعمال کنوانسیون، سازش‌نامه بین‌المللی باید تجاری نیز باشد. با توجه به اهمیت این مسئله، شرط تجاری بودن قبل از تصویب کنوانسیون نیز توسط دکترین حقوقی ذکر شده بود (Lo, 2014: 130-131 ; Boule and Qin, 2016: 54). دو دلیل برای لزوم درج قید تجاری در این کنوانسیون بیان شده است: اولاً اینکه در قانون نمونه ۲۰۰۲ قید تجاری بودن درج شده و بسیاری از کشورها قوانین داخلی خود را مطابق قانون نمونه مذکور اصلاح کرده و این قانون نمونه در نظام حقوقی بسیاری از کشورها وارد شده است. از این رو اگر کنوانسیون در خصوص سازش‌نامه تجاری بین‌المللی شامل مسائل غیرتجاری نیز شود، از این نظر، کنوانسیون با حقوق داخلی کشورهای مذکور و مفاد قانون نمونه ۲۰۰۲ مغایرت خواهد داشت و بدین ترتیب، پذیرش و اجرای چارچوب قانونی بین‌المللی برای سازش‌نامه‌ها دچار مشکل می‌شود؛ ثانیاً یکی از اهداف اصلی کنوانسیون، تسهیل و افزایش اعتماد متقابل در تجارت بین‌الملل بوده و قید تجاری بودن به این دلیل نیز ذکر شده است (Lo, 2014: 131).

در دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص سازش مصوب ۲۰۰۸، دعاوی مدنی و تجاری در محدوده مقررات مذکور قرار گرفته است. در کنوانسیون نیویورک نیز رویکرد موسعی اتخاذ شده بود و در بند ۱ ماده ۲ هر اختلاف داوری پذیر موجود یا محتمل الوقوع مربوط به رابطه حقوقی مشخص اعم از قراردادی یا غیرقراردادی، در محدوده کنوانسیون مذکور قرار می‌گرفت.

قید تجاری در قانون نمونه ۲۰۰۲ الزاماً منعکس‌کننده مفهومی نیست که این اصطلاح در کشورهای حقوق نوشته (رومی-ژرمنی) در مقابل مدنی دارد (شیروی، ۱۳۸۵: ۵۰). در پانویس قانون نمونه ۲۰۰۲ این‌گونه ذکر شده است که عبارت تجاری باید به‌نحو وسیعی تفسیر شود، به‌طوری‌که بتواند تمامی روابط تجاری اعم از قراردادی و غیرقراردادی را پوشش دهد. این روابط تجاری از جمله شامل هر گونه معامله تجاری جهت عرضه یا مبادله کالا یا خدمات، قراردادهای توزیع، نمایندگی یا عاملیت تجاری، وصول مطالبات و تنزیل، اجاره به شرط تملیک، کارهای ساختمانی، مشاوره، مهندسی، اعطای مجوز بهره‌برداری، سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، بانکداری، قراردادهای بیمه و امتیازی، مشارکت در تولید یا انواع دیگر همکاری‌های تجاری، کاری یا صنعتی، و حمل کالا یا مسافر از طریق هوا، دریا، راه‌آهن و یا جاده است (شیروی، ۱۳۸۵: ۵۰; Lo, 2014: 130; Chua, 2019(A): 4; Chong and Steffek, 2019: 456).

به موجب کنوانسیون نیویورک، با توجه به اختلاف موجود بین نظام‌های حقوقی در تعریف مفهوم تجاری بودن رابطه حقوقی، تشخیص این امر با دادگاه رسیدگی‌کننده و براساس قانون مقر دآوری است. البته چنین رویکردی در عمل مشکلات بسیار زیادی را ایجاد کرده است (جنیدی، ۱۳۹۰: ۸). همچنین ایران از حق شرط مندرج در ماده ۱ کنوانسیون نیویورک استفاده و تصریح کرد که جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون را منحصراً در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی قراردادی یا غیرقراردادی که حسب قوانین جمهوری اسلامی ایران تجاری محسوب می‌شوند، اعمال خواهد کرد.

در فرض الحاق ایران به کنوانسیون سنگاپور، یکی از مسائلی که مطرح می‌شود این است که سازش‌نامه باید طبق قوانین ایران تجاری باشد، تا مشمول حمایت اجرایی کنوانسیون قرار گیرد، اما خود مقررات ایران، در مورد مفهوم تجاری ابهاماتی را ایجاد کرده است و دو تعریف متفاوت در قانون تجارت و قانون دآوری تجاری بین‌المللی وجود دارد. به تعبیر دیگر، در این خصوص که مفهوم دعوای تجاری در حقوق ایران شامل چه مصادیقی می‌شود، از یک سو با رویکرد مضیق ماده ۲ قانون تجارت ۱۳۱۱ و از دیگر سو، با رویکرد موسع بند ۱ ماده ۲ قانون دآوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ روبه‌رو هستیم. رویکرد موسع قانون اخیر، مقرر می‌دارد که تمامی دعوای مربوط به خرید و فروش کالا و خدمات، حمل‌ونقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره‌ای، سرمایه‌گذاری، همکاری‌های فنی، نمایندگی، حق‌العمل‌کاری، پیمانکاری و فعالیت‌های مشابه، تجاری محسوب می‌شود و با توجه به استفاده از تعبیر «فعالیت‌های مشابه» در این ماده حتی عناوین مذکور نیز جنبه حصری ندارد و کاملاً تمثیلی است. در مقابل، فهرست ماده ۲ قانون تجارت، صرف‌نظر از قدیمی و مضیق بودن مصادیق، جنبه حصری دارد. حال سؤال آن است در فرض الحاق ایران به کنوانسیون مذکور، کدام‌یک از دو رویکرد مزبور،

ملاک قرار خواهد گرفت؟ درست است که وفق کنوانسیون سنگاپور، مفهوم تجاری بودن، مطابق قوانین ملی تعیین می‌شود، اما باید توجه داشت که هم قانون تجارت و هم قانون داوری تجاری بین‌المللی، قانون داخلی ایران محسوب می‌شوند. از آنجا که قانون اخیرالذکر، در مورد داوری تجاری بین‌المللی و کنوانسیون سنگاپور نیز در مورد سازش تجاری بین‌المللی است، به نظر می‌رسد اتخاذ مفهوم موسع مذکور در قانون داوری تجاری بین‌المللی، با اقتضائات تجارت بین‌الملل، مطابقت بیشتری دارد. ضمن اینکه در زمان الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک، دولت ایران از حق شرطی استفاده کرده است که جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون نیویورک را منحصراً در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی که حسب قوانین جمهوری اسلامی ایران تجاری محسوب می‌شوند، اعمال خواهد کرد. همان‌جا نیز این سؤال مطرح است که مفهوم تجاری بودن باید وفق قانون داوری تجاری بین‌المللی یا مطابق قانون تجارت توصیف شود؟ نکته‌ای که در حق شرط مذکور وجود دارد، این است که عنوان قانون داخلی معینی که وفق آن مفهوم تجاری بودن باید استنباط شود، ذکر نشده و در این حق شرط، عنوان شده است که مفهوم تجاری بودن، مطابق قوانین ایران به صورت کلی تعریف می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد قانون‌گذار ایران در زمان تصویب حق شرط مذکور، به تفاوت رویکرد حقوق ایران در خصوص مفهوم تجاری بودن، توجه داشته است. باید توجه داشت که الحاق ایران به کنوانسیون‌هایی مثل کنوانسیون نیویورک و سنگاپور باید همراستا با تحولات تجاری بین‌المللی باشد و شایسته نیست که با وجود الحاق به کنوانسیون‌های دارای مقررات بین‌المللی به‌روز، همچنان مفهوم تجاری براساس مقررات قدیمی قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ تعریف شود. به نظر می‌رسد در فرض قطعیت الحاق ایران به کنوانسیون سنگاپور، شایسته است به سبب قانون داوری تجاری بین‌المللی مبنی بر اتخاذ رویکرد موسع نسبت به مفهوم تجاری، مفهوم تجاری را در اجرای کنوانسیون مزبور نیز با قانونی مقایسه کنیم که بیشترین نزدیکی را با سازش تجاری بین‌المللی دارد (قانون داوری تجاری بین‌المللی) و نه قانون تجارت که اصولاً برای روابط تجاری داخلی تنظیم شده است. در حق شرط الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک نیز مفهوم تجاری براساس قوانین ایران تعیین می‌شود و نه لزوماً مطابق قانون تجارت ایران. در کنوانسیون سنگاپور نیز مفهوم تجاری بودن مطابق قانون ملی کشورها تعیین می‌شود و نه قانون تجارت ملی آنها. با توجه به اینکه قانون‌گذار در ماده ۱ لایحه تجارت جدید، مفهومی موسع از تجارت به‌کار برده است، تا زمان تبدیل این لایحه به قانون، مفهوم تجاری باید از قانون داوری تجاری بین‌المللی استنباط شود. اتخاذ مفهوم موسع از تجارت، در مقررات دیگر ایران همانند قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ نیز دیده می‌شود. درست است که قانون مذکور، عملاً تجارت را تعریف نکرده، اما در ماده ۳ اشاره داشته است که در تفسیر این قانون، همیشه باید به

خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی کشورها در کاربرد آن و رعایت حسن نیت توجه شود. به‌طور مشخص زمانی که ایران به‌صورت قطعی به کنوانسیون سنگاپور ملحق شود، باید حداقل‌هایی از هماهنگی با مقررات بین‌المللی در نظام حقوقی ایران ایجاد گردد. کنوانسیون اجازه داده است که مفهوم تجاری مطابق قوانین ملی کشورها تعیین شود، اما تا حد امکان باید مفاهیم موسع‌تر موجود در حقوق داخلی کشورها ملاک قرار گیرد تا چتر حمایتی کنوانسیون مزبور، به‌صورت گسترده، دعاوی بیشتری را مورد حمایت قرار دهد.

شایان ذکر است، قبل از قطعیت الحاق ایران به کنوانسیون سنگاپور، تفاوتی بین سازش‌نامه‌های تجاری و غیرتجاری در مقررات ایران وجود ندارد، زیرا در نظام حقوقی ایران، در مواد ۱۷۸ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی، تفکیکی میان سازش در دعاوی تجاری و غیرتجاری ذکر نشده است، زیرا دعاوی تجاری، آیین رسیدگی جداگانه‌ای ندارند و قانون آیین دادرسی مدنی در مورد این‌گونه دعاوی نیز شمول و حاکمیت دارد.

شرط تجاری بودن سازش‌نامه، به این دلیل مقرر شده است که در موضوعات غیرتجاری اغلب حساسیت‌های کشورها بیشتر است و هر نظام حقوقی با توجه به منابع منحصربه‌فرد خود تمایل دارد که موضع مختص خود را در این موضوعات اتخاذ کند و در صورت شمول کنوانسیون بر موضوعات غیرتجاری و تحمیل اجرای سازش‌نامه‌های بین‌المللی در این‌گونه مسائل، شاید بسیاری از کشورها تمایل خود به‌منظور الحاق به کنوانسیون را از دست می‌دادند. البته همان‌طور که بیان شد، باید رویکردی موسع نسبت به تفسیر تجاری بودن سازش‌نامه اتخاذ کرد تا سازش‌نامه‌های بیشتری شامل حمایت اجرایی کنوانسیون شوند. از این‌رو با توجه به مصلحت مذکور، تعریف مفهوم تجاری بودن وفق بند ۱ ماده ۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی، شایسته به‌نظر می‌رسد.

۵. نتیجه‌گیری

کنوانسیون سنگاپور، از جدیدترین سند بین‌المللی در خصوص حل و فصل اختلافات است. این کنوانسیون با حمایت‌هایی که از روش سازش یا میانجی‌گری به‌عمل می‌آورد، در پی ارتقای جایگاه این روش حل و فصل اختلافات بوده تا بتوان در فضای حقوقی کشورها، روش سازش را در کنار روش‌های داوری و دادرسی، به طریقه‌ای رایج در حل و فصل اختلافات میان طرفین دعوا تبدیل کرد. به‌منظور اعمال این کنوانسیون، سازش‌نامه باید دارای سه ویژگی اصلی زیر باشد: ناشی از فرایند میانجی‌گری باشد و دارای وصف بین‌المللی و تجاری تلقی شود. شایسته بود کنوانسیون سنگاپور همانند رویکردی که در خصوص وصف بین‌المللی سازش‌نامه در پیش گرفته است، در خصوص مفهوم تجاری سازش‌نامه نیز تعریف مشخصی ارائه می‌کرد،

زیرا با توجه به متفاوت بودن رویکرد قوانین داخلی کشورهای مختلف، در وضعیت حاضر، یکپارچگی در نحوه اعمال کنوانسیون سنگاپور ایجاد نخواهد شد. از آنجا که بهره بردن سازش نامه از حمایت اجرایی این کنوانسیون، منوط به داشتن سه ویژگی مذکور است، از این رو به نظر می‌رسد نظام‌های حقوقی از جمله رویه قضایی ایران باید در تفسیر این شرایط، رویکردی موسع را اتخاذ کنند تا دامنه بیشتری از سازش نامه‌ها شامل حمایت‌های اجرایی کنوانسیون سنگاپور شوند.

منابع

الف) فارسی

۱. امامی، سید حسن (۱۳۵۲). *حقوق مدنی*، ج ۲، تهران: کتابفروشی اسلامی.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). *دائرةالمعارف علوم اسلامی قضایی*، ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۳. جنیدی، لعیا (۱۳۹۰). «کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرایی آن»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۲، ش ۱، شماره پیاپی ۱۳۶۰۶۹۱، ص ۸۷-۵۲.
۴. شمس، عبدالله (۱۳۹۸). *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، ج ۳، چ سی و دوم، تهران: دراک.
۵. شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۵). «بررسی قانون نمونه آنستیرال در خصوص سازش تجاری بین‌المللی»، *اندیشه‌های حقوقی*، سال چهارم، ش دهم، ص ۷۶-۴۵.
۶. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱). *حقوق تجارت بین‌الملل*، تهران: سمت.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). *حقوق مدنی: عقود معین مشارکت‌ها-صلح*، ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۸. متین دفتری، احمد (۱۳۸۸). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، ج ۱، تهران: مجد.

ب) خارجی

9. Abramson, Hal (2019). *New Singapore Convention on Cross-Border Mediated Settlements, In Mediation in International Commercial and Investment Disputes*, London, Oxford University Press, First Edition.
10. Alexander, Nadja (2019). "Ten Trends In International Mediation", *Singapore Academy of Law Journal*, Vol. 31, pp. 405-447
11. Alexander, Nadja & Chong, Shou Yu. (2019)(B). "The new UN Convention on mediation (aka the 'Singapore Convention') – Why it's important for Hong Kong". *Hong Kong Lawyer* 26-33. Research Collection School Of Law. Available at: https://ink.library.smu.edu.sg/sol_research/2938.
12. Alexander, Nadja (2018). "Singapore Convention on Mediation", Available at: <http://mediationblog.kluwerarbitration.com/2018/07/24/singaporeconventionmediation>.
13. Boulle, Laurence & Qin, Jay (2016). "Globalising Mediated Settlement Agreements", *Journal of International and Comparative Law*, Vol. 3(A), pp. 33-54.
14. Chong, Shou Yu & Steffek Felix (2019). "Enforcement of international settlement agreements resulting from mediation under the Singapore convention Private international law issues in perspective", *Singapore Academy of Law Journal*. 31, (Special Issue), 1-39. Research Collection School Of Law, Available at: https://ink.library.smu.edu.sg/sol_research/2943.
15. Chong, Shouyu & Alexander, Nadja. (2019)(A). "Singapore convention series: Why is there no 'seat' of mediation?", *Research Collection School Of Law*, Available at: https://ink.library.smu.edu.sg/sol_research/2893/.
16. Chua, Eunice (2019)(B). "The Singapore convention on mediation – A brighter future for Asian dispute resolution", *Asian Journal of International Law*, Vol. 9(2), pp. 195-205.

17. Chua, Eunice (2019)(A). "Enforcement Of International Mediated Settlement Agreements In Asia: A Path Towards Convergence", *Asian International Arbitration Journal*, , Vol. 9(2), , pp. 1-27.
18. Claxton, James M. (2019). "The Singapore Convention: Mediation in a New York State of Mind". Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3416116> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3416116>
19. D'Ambrumenil, Peter. (1997). *Mediation And Arbitration*, First published, Great Britain, Cavendish Publishing Limited.
20. Lo, Chang-fa (2014). "Desirability Of A New International Legal Framework For Cross-Border Enforcement Of Certain Mediated Settlement Agreements", *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 7, No. 1, pp. 119-137.
21. Lo, Chang-fa & Jo-Mei M, Winnie (2014). "Draft Convention On Cross-Border Enforcement Of International Mediated Settlement Agreements", *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 7, No. 1, pp. 387-401.
22. McCormick Khory & Ong Sharon S M (2019). "Through The Looking Glass: An Insiders Perspective Into The Making Of The Singapore Convention On Mediation", *Singapore Academy of Law Journal*, Vol. 31, pp. 520-546.
23. Morris-Sharma, Natalie Y, (2019). "Constructing The Convention On Mediation The Chairperson's Perspective", *Singapore Academy of Law Journal*, Vol. 31, pp 487-519.
24. Nigmatullina, Dilyara (2019). *Combining Mediation and Arbitration in International Commercial Dispute Resolution*, New York, Routledge, First Published.
25. Nwoye, Ikemefuna Stephen, (2019). "A Review of The United Nations Convention On International Settlement Agreements Resulting From Mediation". Available at: <https://ssrn.com/abstract=3434885> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3434885>.
26. Quek Anderson, Dorcas. (2019). "Supporting party autonomy in the enforcement of cross-border mediated settlement agreements: A brave new world or uncharted territory?". Privativizing dispute resolution: Trends and limits, 18, 349-392. Research Collection School Of Law. Available at: https://ink.library.smu.edu.sg/sol_research/2909
27. Redfern Alan & Hunter Martin, (2009). *The Law and Practice of International Commercial Arbitration*, London: Oxford University Press.
28. Roberts, Kenneth M. (2007). "Mediating the evaluative-facilitative debate: Why Both Parties Are Wrong And Proposal For Settlement", *Loyola University Chicago Law Journal*, Vol. 39(A), pp.187-214.
29. Rooney Kim M. (2019). "Turning The Rivalrous Relations Between Arbitration And Mediation Into Cooperative Or Convergent Modes Of A Dispute Settlement Mechanism For Commercial Disputes In East Asia", *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 12, No.1, pp. 107-132.
30. Schnabel, Timothy. (2019)(A). "The Singapore Convention On Mediation: Framework For The Cross-Border Recognition And Enforcement Of Mediated Settlements", *Pepperdine Dispute Resolution Law Journal*, Vol. 19, pp.1-60.
31. Schnabel, Timothy. (2019)(B). "Implementation Of The Singapore Convention: Federalism, Self-Execution, And Private Law Treaties", Available at: <https://ssrn.com/abstract=3320823>.
32. Silvestri, Elisabetta (2019). "The Singapore Convention On Mediated Settlement Agreements: A New String To The Bow Of International Mediation?", *Access to Justice in Eastern Europe*, Vol. 2(3), pp. 5-11.SIM, Christine (2019). "Conciliation of investor-state disputes, Arb-con-arb, and The Singapore Convention", *Singapore Academy of Law Journal*, Vol. 31, pp. 670-712.
33. Sussman Edna (2018). "The Singapore Convention Promoting the Enforcement and Recognition of International Mediated Settlement Agreements", *Icc Dispute Resolution Bulletin* Vol. 3, pp. 42-54.
34. Uncitral, (2015) (A). "Audio Recordings Working Group I (Arbitration and Conciliation)", 62nd Session, Feb. 2, 2015, available at: <https://icms.unov.org/CarbonWeb/Public/uncitral/speakerslog/66b01a32-71e9-4665-953e3a7163be0e1>.
35. Uncitral, (2015) (B). "Audio Recordings: Working Group HI (Arbitration and Conciliation)", 63rd Session, Sept. 10, 2015, available at: <https://icms.unov.org/CarbonWeb/public/uncitral/speakerslog/dfe74c41-404d-4cd9-ad3e-8ab8834a3dcc>.

36. Uncitral, (2016) (A). “Audio Recordings: Working Group HI (Dispute Settlement)”, 65th Session, Sept. 16, 2016, available at: <https://icms.unov.org/CarbonWeb/public/uncitral/speakerslog/aa875fca-el3c-49db-83f7-820bbe6dfe74>.
37. Uncitral, (2016) (B). “Audio Recordings: Working Group I (Arbitration and Conciliation)”, 64th Session, Feb. 2, 2016, available at: <https://icms.unov.org/CarbonWeb/public/uncitral/speakerslog/16f540la-84d4-407a-a63b-06511666b2d9>.
38. Žukauskaitė, Miglė (2019). “Enforcement of Mediated Settlement Agreements”, Vilnius University Press, Vol. 111, pp. 205–217.